

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## موانع، چالش‌ها و محدودیت‌های حق دسترسی به پرونده‌های قضایی

سید رضا احسان پور<sup>۱</sup>، فرامرز قلی پور جمنانی<sup>۲</sup>

۱- استادیار گروه حقوق دانشگاه شاهد تهران

۲- دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی / نویسنده مسوول / Egholipor@yahoo.com

دریافت: ۹۸/۷/۱۸ پذیرش: ۹۸/۸/۲۱

### چکیده

یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اصول حاکم بر دادرسی منصفانه حق دسترسی است که این حق در قوانین نظام‌های دادرسی مترقی گنجانیده و بدون هیچ‌گونه محدودیتی، در تمامی مراحل فرآیند رسیدگی به پرونده اعمال می‌گردد. در واقع، بدون وجود حق دسترسی، دستیابی به اصول بنیادین دیگر از قبیل تساوی سلاح‌ها، بی‌طرفی و ترافعی شدن امکان‌پذیر نخواهد بود. به عبارتی دیگر، از مجرای چنین حقی است که اجرای اصول دیگر آیین دادرسی کیفری میسر خواهد شد. قلمرو و دامنه شمول این حق، از مرحله تحقیقات مقدماتی و شروع به تعقیب و تحقیق تا مرحله رسیدگی و صدور حکم را در بر می‌گیرد. ایجاد هرگونه محدودیتی در اجرای مطلق و بی‌چون و چرای این حق، نیل به دادرسی منصفانه را با خدشه جدی و اساسی مواجه خواهد ساخت. حق دسترسی، از یک سو ناظر بر حق حضور و مداخله وکیل در تمامی مراحل دادرسی از جمله تحقیقات مقدماتی و از سوی دیگر، ناظر بر دسترسی مطلق و بی‌قید و شرط اصحاب دعوی و وکلای مدافع به تمام اوراق و مندرجات پرونده و امکان اخذ رونوشت یا روگرفت از آن می‌باشد. جرایم مرتبط با امور پزشکی و دارویی از دو منظر، هم‌بزه‌دیده و هم‌بزه‌کار، واجد حساسیت و اهمیت می‌باشند؛ تقابل اجرای حق دسترسی به پرونده‌های قضایی مرتبط با جرایم پزشکی و دارویی با ماده ۶۴۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ که ناظر بر ممنوعیت افشاء اسرار حرفه‌ای و شغلی است، مهم‌ترین چالش در زمینه حق دسترسی به چنین پرونده‌هایی می‌باشد.

**کلید واژه‌ها:** حق دسترسی، تحقیقات مقدماتی، دادرسی منصفانه.

## ۱- مقدمه

در حال حاضر، با توجه به ترافیکی شدن بیش از پیش مرحله تحقیقات مقدماتی، عدم توانایی بسیاری از متهمین به ارائه دفاعی مناسب در دادسرا، کشف موارد عدیده‌ای از اشتباهات قضایی و تضییع حقوق متهمین که خود از موجبات اطلاع دادرسی محسوب می‌شود، توجه قانون‌گذاران به اهمیت و ضرورت حضور وکیل و ایفاء نقش مؤثر از سوی وی در مرحله جمع‌آوری دلایل علیه متهم جلب شده است (آشوری، ۱۳۷۶، ص ۱۵۶) که البته این مهم جز با به رسمیت شناختن حاکمیت مطلق حق دسترسی محقق نخواهد شد. ممنوعیت دسترسی وکیل مدافع به اوراق و محتویات پرونده و یا ایجاد محدودیت در دسترسی وکیل به این اوراق و به خصوص در مرحله تحقیقات مقدماتی که از مراحل مهم و سرنوشت‌ساز دادرسی کیفری محسوب می‌گردد، با فلسفه حضور و مداخله وکیل در این مرحله مغایرت دارد زیرا عدم دسترسی به مندرجات پرونده، امکان دفاع مؤثر و کارآمد را از وکیل سلب و حضور وی را تبدیل به حضوری تشریفاتی می‌نماید. در واقع، نمی‌توان پذیرفت که وکیل مدافع در کنار متهم حضور داشته باشد ولی حق دسترسی به محتویات و مندرجات پرونده و یا مطالعه آن را نداشته باشد.

علی‌الاصول، لازمه دفاع این است که فردی بتواند شخصاً و یا از طریق وکیل مدافع خود به محتوای پرونده، مندرجات، اسناد و مدارک آن جهت تدارک یک دفاع مناسب دسترسی داشته باشد. اهمیت وکیل از لحاظ حقوق بشر و جرم‌شناسی، وقتی می‌تواند در مرحله تحقیقات مفید فایده باشد که به ویژه در جرایم شدید و حساس بتواند پرونده را مطالعه نموده و متناسب با آن دفاع نماید؛ در غیر این صورت، متهم احساس می‌کند که وکیل هیچ نقشی در فرآیند رسیدگی ندارد و نمی‌تواند کارکرد حمایتی داشته باشد زیرا یکی از کارکردهای حمایتی و جرم‌شناختی وکیل، دسترسی به پرونده و مطلع کردن متهم از اتهام، ادله وقوع جرم و سایر اوضاع و احوال پرونده است که می‌تواند نوعی اطمینان و آرامش روان به متهم بدهد و امیدوار باشد که در ادامه رسیدگی با اصلاح رفتار خود تصمیم مناسب در مورد او اتخاذ شود. (عبداله‌ی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۳)

ترافیکی شدن کلیه مراحل دادرسی از جمله مرحله تحقیقات مقدماتی و هم‌چنین اصل تساوی سلاح‌ها از مهم‌ترین توجیهات حضور و مداخله وکیل و حق دسترسی وی به کلیه اوراق و مندرجات پرونده، بدون هیچ‌گونه مانع و رادعی می‌باشد. قانون‌گذار

در تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات ۱۳۹۴، ضمن پیش بینی ماده ۵ این قانون، به عنوان یکی از اصول راهبردی، مقرر نموده است؛ «متهم باید در اسرع وقت ... از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند شود». ملاحظه می‌گردد که حق دسترسی به وکیل از سوی متهم، به طور مطلق و بدون قید و شرط مورد پذیرش قانون‌گذار قرار گرفته است، لیکن در ادامه مواد قانونی، حضور و مداخله وکیل و حق دسترسی وی به تمام اوراق و مندرجات پرونده با محدودیت‌های جدی و اساسی مواجه و در واقع قانون‌گذار تا حدود زیادی از این اصل بنیادین عدول نموده است. قانون‌گذار در ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری، با عباراتی مبهم از جمله ضرورت کشف حقیقت و در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، به بازپرس اختیار داده است که قرار عدم دسترسی به پرونده را صادر نماید.

هر چند عدم دسترسی وکیل به پرونده یا برخی از اوراق آن از لحاظ حقوقی قابل توجیه نبوده و هر چند چنین دسترسی، هیچ‌گونه منافاتی با کشف حقیقت ندارد لیکن با توجه به ماده ۶۴۸ قانون تعزیرات که مقرر می‌دارد: «اطباء و جراحان و دارو فروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند» به نظر می‌رسد که اجرای مطلق حق دسترسی به پرونده‌های قضایی مرتبط با جرایم پزشکی و دارویی که از حساسیت و اهمیت نیز برخوردار است، در تقابل با ممنوعیت افشاء اسرار شغلی و حرفه‌ای قرار داشته و بیم افشاء اسرار و رموز شغلی و حرفه‌ای از یک سو و اطلاعات مربوط به بزه‌دیده و بزهکار از سوی دیگر برود. از منظر جرم‌شناسی واکنش اجتماعی، عدم دسترسی وکیل در برخی از موارد، آن هم به صورت مستقیم به پرونده در جرایم علیه امنیت می‌تواند زمینه سوء استفاده از قدرت را برای مقامات قضایی فراهم نماید؛ به ویژه آن که این جرایم دارای حساسیت بوده و در بسیاری از موارد ممکن است با وجود این که دلیلی بر بزهکاری متهم در دست نیست، متهم محکوم شود. (عبدالهی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۳)

به عقیده برخی، حق دسترسی متهم و وکیل او در ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری به صراحت اعلام شده ولی با توجه به این که در این ماده قرار عدم دسترسی به پرونده توسط متهم و وکیل او قابل اعتراض شناخته شده است، پس

به دلالت التزامی معلوم می‌شود که متهم و وکیل او از حق دسترسی به پرونده برخوردارند که بازپرس می‌تواند با صدور یک قرار آن را ممنوع سازد. اصولاً، مطالعه پرونده مستلزم دسترسی به آن‌هاست ولی با تفکیک صورت گرفته در قسمت اول ماده که طبق آن بازپرس می‌تواند یا مطالعه آن اوراق و یا دسترسی به آنها را ممکن سازد، معلوم می‌شود که دسترسی یعنی در اختیار گذاشتن؛ بنابراین مانعی وجود ندارد که متهم یا وکیل او بتوانند به هزینه خود از اوراق پرونده کپی گرفته و نسخه‌ای برای خود داشته باشند. (خالقی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۶) واقعیت این است که پیش بینی حق اعتراض نسبت به قرار عدم دسترسی بازپرس از یک سو و الزام دادگاه به رسیدگی نسبت به اعتراض به قرار مذکور در وقت فوق العاده، هر چند کوششی از سوی قانون‌گذار در کاستن از شدت و حدت قرار عدم دسترسی که نمی‌توان سابقه‌ای از آن در نظام تقنینی ایران یافت، بوده است لیکن با حق دسترسی سریع، آسان و بدون محدودیت متهم و وکیل مدافع وی در لحظات نخستین تحقیقات مقدماتی در مغایرت صریح و آشکار می‌باشد.

## ۲- مبانی حاکم بر اصل دسترسی

اجرای حق دسترسی بدون شناخت مبانی آن امکان پذیر نخواهد بود. اصل برائت، تساوی سلاح‌ها و ترافعی شدن از مهم‌ترین مبانی حق دسترسی می‌باشند که پرداختن به هر یک از آنها ضرورتی اجتناب ناپذیر است. در واقع، شناخت بهتر از مبانی حق دسترسی اهمیت چنین حقی را آشکار خواهد ساخت.

### ۲-۱- اصل برائت؛ توجیه کننده حق دسترسی

اصل برائت یا «فرض بی‌گناهی» از جمله اصول و قواعد عام حقوق است که می‌توان آن را یکی از تکیه‌گاه‌های هر نظام اجتماعی دانست. اصول و قواعد عام حقوقی که در واقع برآمده از فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و توقعات اساسی اعضای جامعه به حساب می‌آید، ارکان و چهارچوب‌های اساسی یک نظام حقوقی را تشکیل می‌دهد. این اصول و قواعد کلی که در عین حال هدایت‌کننده افکار، اعمال، رفتار و حساسیت‌های فردی و اجتماعی اعضای جامعه نیز می‌باشد، چهارچوب‌های نظام قانونی آن جامعه را در برمی‌گیرد. به بیان دیگر، روابط اجتماعی جوامع انسانی از ابتدای تاریخ تا به حال بر اصول و فروض تعیین شده و مورد قبول مردم بنا شده است که به

تدریج، این اصول و قواعد کلی در قالب قوانین و احکام جزئی تر تعریف گردیده است. (شاملو، ۱۳۸۳، ص ۲۴۶)

حفظ نظم قانونی، ضرورت توازن و تعادل قدرت، اصل اباحه و عدم از جمله مبانی و اهداف اصل مورد اشاره شناخته شده است.

مهم‌ترین آثار اصل برائت کیفری در حقوق دفاعی متهم متجلی می‌گردد زیرا هدف نهایی از پیش بینی اصل برائت کیفری، حفظ حقوق متهم و جلوگیری از تضییع حقوق وی بوده و به جرأت می‌توان گفت که حق حضور و مداخله وکیل در تمامی مراحل دادرسی و از نخستین لحظات تشکیل پرونده از یک سو و حق دسترسی به کلیه اوراق و مندرجات پرونده اتهامی و اطلاع از تمامی دلایل تحصیل شده علیه متهم از سوی دیگر، از مهم‌ترین آثار اصل برائت کیفری در حقوق دفاعی متهم می‌باشد. برقراری هرگونه تحدید و تضییق نسبت به حق دسترسی به مندرجات پرونده و هم چنین حق حضور و مداخله وکیل، در حقیقت نقض بارز و آشکار اصل برائت و در نهایت حق دفاع متهم می‌باشد.

ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات ۱۳۹۴، مقرر می‌دارد؛ «اصل برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست. . . .»

ماده قانونی مذکور که پس از اصل ۳۵ قانون اساسی و هم چنین بند ۲ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی به صورت صریح به اصل برائت اشاره می‌نماید، ناظر بر جنبه قضایی این اصل می‌باشد. در بعد قضایی، اصل برائت مقتضی آن است که شخصی که به عنوان متهم در یک دعوی عمومی تحت تعقیب قرار گرفته است، تا زمان صدور حکم محکومیت قطعی، بی‌گناه فرض شود و اوضاع و احوالی مانند متواری بودن یا سابقه محکومیت کیفری سبب شکل‌گیری اعتقاد به مجرمیت او نگردد بلکه او به عنوان یک فرد ناکرده بزه تلقی و اقدامات لازم برای جمع‌آوری دلایل له و علیه او توسط مرجع قضایی صالح و بر طبق مقرراتی صورت گیرد که توسط قانون‌گذار تعیین شده است. (خالقی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۶)

## ۲-۲- تساوی سلاح‌ها؛ تضمین‌کننده حق دسترسی

تساوی سلاح‌ها به معنای برابری قضایی است. برابری اصحاب دعوی در فرآیند

قضایی به این معناست که با توجه به عدم تساوی بین امکانات طرفین دعوی، سعی در ایجاد تساوی بین آنها صورت گیرد. تعبیری که در بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر آمده است، ناظر بر همین معناست؛ یعنی برابری طرفین در فرآیند دادرسی. (عبادی، ۱۳۹۲، ص ۲) حضور و مداخله وکیل، حق سکوت و حق دسترسی به اوراق و مندرجات پرونده از جمله مواردی است که به تحقق اصل تساوی سلاح‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی کمک خواهد نمود. در نظام‌های حقوقی مبتنی بر کامن‌لا، از مهم‌ترین تضمین‌هایی که موجب تحقق بیش از پیش اصل تساوی سلاح‌ها می‌گردد، قاعده موسوم به «افشاء ادله» می‌باشد. به موجب این قاعده، دادستان و دیگر مقامات عهده دار امر تعقیب و تحقیق، اطلاعات و مدارکی که در اختیار دارند را به متهم ارائه نموده تا وی بتواند دفاع متناسب برای خود تدارک ببیند.

آگاهی از موضوع و دلایل اتهام، یکی از مهم‌ترین تضمین‌های حقوق دفاعی متهم در تمامی مراحل رسیدگی کیفری به شمار می‌آید. تمامی اسناد حقوق بشری، چه بین‌المللی و چه منطقه‌ای، بر شناسایی چنین حقی یعنی اطلاع از دلایلی که علیه اشخاص ضمن دستگیری، جلب، بازداشت و سرانجام محکومیت آنها ارائه گردیده، تأکید ورزیده‌اند. (اردبیلی، ۱۳۸۵، ص ۵۹) در خصوص مبنای افشاء ادله، به اصولی از قبیل تساوی سلاح‌ها، سریع بودن دادرسی، علنی بودن دادرسی، اصل برائت و اصل قانونی بودن تمسک گردیده است. مقررات مربوط به قواعد آیین دادرسی کیفری ۲۰۰۵ کشور انگلستان مقرر می‌دارد: «اگر فردی به یک جرم دو وجهی متهم شده باشد، دادستان باید با توجه به تقاضای متهم، ادله‌ای مانند اظهارات شهود دادستان یا خلاصه‌ای از وقایع و ادله‌ای که در دادگاه علیه او اقامه خواهد شد را به او اطلاع دهد. این درخواست باید قبل از تعیین شیوه رسیدگی به جرم انجام شود». (سیگنوریل، ۲۰۱۱، ص ۶۸) ضابطه افشاء ادله اولیه جهت تضمین این امر طرح ریزی شده است که دادستان در مرحله اول، اسناد و مدارکی که به طور کلی نسبت به استحکام پرونده دادستانی تأثیر منفی دارد، ارائه نماید. این امر صرفاً شامل اسنادی که منجر به طرح سوالات اساسی در مورد تعقیب متهم می‌باشد، نیست. (سیگنوریل، ۲۰۱۱، ص ۶۸) یکی از دلایل منطقی برای افشاء و یا ابراز ادله به متهم، به تفاوت در دسترسی به امکانات بین دولت و دادستان از یک سو و شخص متهم از سوی دیگر باز می‌گردد زیرا دولت توانایی دسترسی به تسهیلات تحقیقاتی از قبیل پلیس و

سرویس های تخصصی مانند پزشکی قانونی و غیره را دارا می باشد؛ در حالی که متهم از چنین ابزارهایی بی بهره است و چه بسا بدون دسترسی به اطلاعات و ادله و بدون تقصیر، محکوم به مجازات گردد.

### ۲-۳- ترافی شدن؛ نتیجه حق دسترسی

بین اصل تساوی سلاح ها و ترافی شدن ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. اصل ترافی شدن یکی از اصول بنیادین حاکم بر آیین دادرسی کیفری و شرط اساسی و ضروری تحقق دادرسی منصفانه بوده که گاه مترادف با حق دفاع و نتیجه اجرای اصل احترام به حق دفاع و گاه نیز تضمین کننده مساوات و برابری اصحاب دعوی شناخته شده است. اصل ترافی شدن به این معناست که هر یک از اصحاب دعوی، باید علاوه بر این که فرصت و امکان مورد مناقشه قرار دادن ادعاها و استدلال های رقیب را داشته باشند، فرصت و امکان طرح ادعاها، ادله و استدلال های خود را نیز داشته باشند. این اصل بر خلاف حقوق دفاعی که بیشتر منصرف به متهم است، به هر دو طرف (دادستان و متهم) دعوا نظر دارد. اصل ترافی شدن یکی از ویژگی های اصلی نظام دادرسی اتهامی است که یکی از مبنای مهم این نظام آن است که اصحاب دعوی باید در موقعیت و شرایط مساوی و برابر قرار گیرند. چنین معنا و مفهومی ناظر بر اصل «تناظر» می باشد. اصل تناظر یکی از اصول کلی حقوق و در واقع جوهره مفاهیم عدالت و انصاف را تشکیل می دهد و بر منابع الهی، اخلاقی و جهانی مبتنی می گردد. تناظر مقتضی آن است که طرفین در روابط مستقیم یکدیگر و همچنین در مقابل قاضی در شرایط مساوی قرار گیرند. هر یک از طرفین در چهارچوب دادرسی از حقوق یکسانی برخوردار می باشند. منصفانه بودن دادرسی مستلزم برابری در رفتار با طرفین دعواست که این امر به نوبه خود، ایجاب کننده بی طرفی و استقلال دادگاه می باشد. (حیدری، ۱۳۸۹، ص ۱۲۷)

تبلور اجرای کامل ترافی شدن را می توان در نظام دادرسی اتهامی مشاهده نمود. نظام اتهامی در شکل ایده آل خود، دو وکیل مدافع مبتکر، خوش ذوق، واجد صلاحیت و متخصص را رو در روی هم قرار می دهد. وظیفه آنها غلبه و کسب موفقیت در دعوا و شکست دادن طرف مقابل خود می باشد. وکلای دادستانی در تصمیم گیری راجع به این که چه کسی مورد اتهام قرار گیرد، چه اتهاماتی مطرح گردد و چه مجازاتی در نظر گرفته شود، از صوابدید قابل ملاحظه ای برخوردار خواهند بود. رابرت جکسون،



دادستان را فردی توصیف می‌نماید که بیشتر از سایرین کنترل زندگی، آزادی و حیثیت شهروندان را برعهده داشته و بر این اساس، اختیارات صوابدیدی وی نیز بی‌شمار می‌باشد. (آکر، ۲۰۰۴، ص ۱۰۸) به همین جهت، در این نظام‌ها ترافیکی شدن بهتر از هر جای دیگری رعایت می‌گردد. در حال حاضر، بسیاری از نظام‌های دادرسی مختلط که مرحله تحقیقات مقدماتی در آنها به صورت تفتیشی صورت می‌گیرد، با الهام از نظام دادرسی اتهامی، بر جنبه‌های ترافیکی مرحله تحقیقات مقدماتی افزوده و از جنبه‌های تفتیشی آن کاسته‌اند؛ به نحوی که نه تنها به وکلای مدافع، حق حضور در جلسات بازپرسی اعطاء گردیده بلکه به وکیل متهم اجازه داده شده است که همانند وکیل شاکی از مندرجات پرونده مطلع شده، نظریات خود را به بازپرس اعلام و حتی انجام دادن تحقیق خاصی را از وی تقاضا کند. (آشوری، ۱۳۷۶، ص ۱۵۶)

### ۳- گستره حق دسترسی

همان‌گونه که اشاره گردید، یکی از ابعاد حق دسترسی، دسترسی به وکیل یا مشاور حقوقی از نخستین لحظات شروع به انجام تحقیقات مقدماتی بوده که با توجه به اهمیت آن، قلمرو این حق در دو بعد «نظارتی و حمایتی» بیان می‌گردد.

#### ۳-۱- نقش نظارتی دسترسی به وکیل

یکی از محورهای اصلی آیین دادرسی کیفری، کرامت انسانی است، به گونه‌ای که این امر به عنوان یکی از اصول بنیادین آیین دادرسی کیفری بسیاری از کشورها شناخته شده است. بر اساس طرفداران تئوری کرامت انسانی، مصون بودن انسان‌ها از هرگونه تعرض و نقش وکیل در جلوگیری از آسیب پذیری آن در فرآیند رسیدگی‌های کیفری، مهم‌ترین مبنا در توجیه ضرورت دسترسی متهم به وکیل و مساعدت او محسوب می‌شود.

در این معنا، حضور وکیل در جریان تحقیقات مقدماتی می‌تواند نوعی نقش حمایت‌گرانه از متهم داشته باشد. مقامات قضایی و سایر کارکنان را از نقض کرامت انسانی متهم بازدارد. علاوه بر غرض ورزی‌ها و جانبداری‌های مأمورین دادسرا در بسیاری از موارد، اشتباهات قضایی آنها نیز عاملی در اتخاذ تصمیمات ناعادلانه و غیرمنطقی می‌گردد. بدیهی است که حضور وکیل آشنا به موازین حقوقی، مانعی بر نهادهای تعقیب و تحقیق در نادیده گرفتن تشریفات مقرر قانونی خواهد شد و بدین ترتیب، روند

رسیدگی را به سوی تلاش در جهت کسب ادله قانونی سوق دهد. حضور وکیل می‌تواند نقش کلیدی در تضمین عادلانه بودن محاکمات کیفری داشته باشد. (عبداللهی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۳)

ماده ۱۴ قانون اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۱، ضمن اصلاح تبصره ۱ ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفهیم این حق به متهم به ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه است».

تبصره یک سابق، ضمانت اجرایی به مراتب شدیدتر را پیش بینی نموده و سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم را موجب بی اعتباری تحقیقات می‌دانست که همانگونه که اشاره شد، این تبصره به موجب ماده ۱۴ اصلاح گردید. همچنین وکیل بر طبق تبصره ماده ۱۹۵ می‌تواند در صورت طرح سوالات تقنینی یا سایر موارد خلاف به بازپرس تذکر دهد. توجه به این تبصره نشان می‌دهد که وکیل در جریان تحقیقات مقدماتی نوعی نقش نظارتی بر وظایف بازپرس داشته و می‌تواند وی را از صلاح‌دهی‌های شخصی یا غرض ورزی بازدارد.

به عنوان مثال، چنانچه بازپرس سوالات تلقینی یا اکراه آمیزی از متهم بپرسد، حضور وکیل می‌تواند مطابق ماده ۱۹۶ موجب شود که بازپرس متحمل تخلف انتظامی گردد. یکی از بارزترین جلوه‌های حقوق شهروندی در گستره قضایی، حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرآیند دادرسی کیفری است که بر اساس این حق متهمان می‌توانند در سراسر فرآیند کیفری از حضور وکیل در کنار خود استفاده کنند؛ به گونه ای که در صورت ناتوانی مالی، دولت مکلف است امکانات حضور وکیل رایگان را برای متهمان فراهم کند. حق متهمان بر داشتن وکیل از بارزترین جلوه‌های دادرسی عادلانه و حقوق دفاعی به شمار می‌آید زیرا حضور وکیل در فرآیند کیفری موجب کاسته شدن از اشتباهات قضایی و افزایش دستیابی به عدالت می‌شود. (نیازپور، ۱۳۷۱، ص ۹۵)

### ۳-۲- نقش حمایتی دسترسی به وکیل

علاوه بر نقش نظارتی وکیل در جریان تحقیقات مقدماتی که در گستره حق دسترسی قابل درک و فهم است، حضور و مداخله وکیل می‌تواند ضامن تحقق تساوی سلاح‌ها در برابر مقامات تعقیب و تحقیق باشد. نقش حمایتی وکیل می‌تواند در دو بعد حمایت از متهم و بزه‌دیده متجلی گردد.

### ۳-۲-۱- حمایت از متهم؛ رویکرد بزهدکار مدار

حق داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی و لزوم حضور وی در دفاع از حقوق متهم، تضمینی بسیار اساسی در جهت حفظ حقوق و آزادی‌های فردی و جلوگیری از اخلال به حق دفاع وی خواهد بود. حضور وکیل در کنار متهم از منظر آموزه‌های اصلاح و درمان نیز قابل توجه می‌باشد؛ بدین معنی که حضور وکیل می‌تواند موجب آموزش هنجارهای تقنینی و ارزش‌های اجتماعی به بزهدکاران و اصلاح و تربیت آنان شود.

حضور و مداخله وکیل در فرآیند تحقیقات مقدماتی می‌تواند ضمن جلوگیری از تعدی به حیثیت و شرافت متهمین و یا حفظ شخصیت اجتماعی، مقدمات بازسازی اجتماعی او را فراهم سازد. اعتماد متهم به انسانی و عادلانه بودن تصمیمات اتخاذی در مورد او می‌تواند موجب تلاش او در جهت جبران وضعیت حاصله از جرم و همکاری با بزهدیده و نهادهای عدالت کیفری شود. (عبداللهی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۳) حضور وکیل از دیدگاه نظریه برچسب زنی نیز قابل توجه می‌باشد. در بسیاری از موارد، وکیل به جای متهم برای پیگیری به دادسرا مراجعه کرده و باعث می‌شود که زمان حضور متهم در دادسرا کاهش یابد و متهم در دادسرا توسط جامعه مشاهده نشده و در نتیجه، کاهش حضور متهم باعث کاهش احتمال برچسب زنی به مجرم می‌شود و حتی باعث فراموش شدن ارتکاب جرم از سوی جامعه می‌شود. وکیل می‌تواند با درخواست مواردی از قبیل معامله اتهام یا درخواست تخفیف مجازات، ضمن کاهش حضور متهم در فرآیند کیفری، احتمال برچسب زنی وی را نیز پایین بیاورد.

بند ۱ ماده ۵۸ قانون پلیس و ادله کیفری ۱۹۸۴ انگلستان، بدون این که قائل به برقراری محدودیت پیرامون حضور و مداخله وکیل مدافع شخص تحت نظر باشد، مقرر می‌دارد: «شخصی که بازداشت شده و در بازداشتگاه کلانتری یا هر محل دیگری نگاه داشته شده است، در صورت درخواست باید حق مشاوره با یک وکیل را به صورت خصوصی و در هر زمان داشته باشد». مضمونی که در کلانتری یا خارج از آن دستگیر شده باشد، باید از حق مشاوره حقوقی رایگان هم به طور کتبی و هم به طور شفاهی آگاه شود. نکته مهم در خصوص این مشاوره آن است که هرگاه بازداشت شده درخواست اعمال این حق را نماید، وی مجاز می‌باشد که به طور خصوصی با مشاور حقوقی صحبت نماید و این حق مشاوره و صحبت در خلوت، یک حق بنیادین برای بازداشت شدگان محسوب می‌شود. اصل اولیه در دسترسی به وکیل آن است

که نباید هیچ گونه تأخیری در خصوص این امر صورت گیرد. (یکرنگی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۹)

ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات ۱۳۹۴، ابتدا با پیش بینی یک ساعت حق ملاقات و کیل با شخص تحت نظر، با سلب این حق در بسیاری از جرایم مهم و در تبصره مقرر نموده است: «اگر شخص به علت اتهام ارتکاب یکی از جرایم سازمان یافته و یا جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، سرقت، مواد مخدر و روانگردان و یا جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب) و (پ) ماده (۳۰۲) این قانون، تحت نظر قرار گیرد، تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن امکان ملاقات با وکیل را ندارد». ماده ۴ قانون اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۴ با نقض اصل مسلم و بدیهی آزادی در انتخاب وکیل که مورد تصریح و تأکید ماده ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز می باشد، وضع را بدتر از قبل نموده و ضمن اصلاح تبصره سابق ماده ۴۸ مقرر نموده است: «در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و همچنین جرایم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب می نمایند. اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می گردد».

### ۳-۲-۲- حمایت از بزه دیده؛ رویکرد بزه دیده مدار

یکی از مهم ترین کارکردهای وکیل از منظر جرم شناسی و در فرآیند کیفری، حمایت از بزه دیده و کاهش بزه دیدگی ثانویه است.

در حقیقت، چنانچه فردی یک بار بزه دیده واقع شود و جهت طرح شکایت به دادسرا مراجعه نماید، اطاله دادرسی، نوع برخورد عوامل دادسرا، رویارویی با بزه کار و تهدیدات احتمالی می تواند منجر به بزه دیدگی مکرر وی گردد. در این حالت، حضور وکیل در کنار بزه دیده و عمل به نمایندگی وی، از بسیاری از مشکلات ناشی از فرآیند دادرسی خواهد کاست. با توجه به این که بزه دیده متحمل خسارت مادی و روانی شده است، به دلیل ناآشنایی با قوانین و مقررات به همراهی یک نفر وکیل در فرآیند دادرسی کیفری نیازمند است. در بزه دیده شناسی حمایتی، حمایت حقوقی از بزه دیدگان مهم ترین ساز و کارهای غیرکیفری محسوب می شود که در پرتو آن،

بزه دیدگان می‌بایست در سرتاسر فرآیند کیفری از راهنمایی‌ها و مشاوره‌های وکیل در تسریع و تسهیل رسیدگی به شکایت خود، تحقق عدالت و احقاق حقوق بهره‌مند گردند. (عبدالهی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۳)

حق بهره‌مندی بزه‌دیده از وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی به عنوان یک اصل مسلم مورد تصریح قانون‌گذار در تدوین قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات ۱۳۹۴ قرار نگرفته است. در بسیاری از جرایم مهم مانند قتل عمدی ممکن است شاکی نیاز ضروری به حضور و مداخله وکیل داشته و از طرفی تمکن مالی نیز نداشته باشد.

به عبارت دیگر، وکیل تسخیری الزامی برای شاکی در مرحله تحقیقات حتی در جرایمی با مجازات سلب حیات یا حبس ابد پیش بینی نشده است. قانون‌گذار امکان بهره‌مندی از وکیل معاضدتی برای بزه‌دیده فاقد تمکن مالی را با تشخیص دادگاه فراهم نموده است که این اقدام در راستای حمایت از بزه‌دیده و کاهش بزه دیدگی ثانویه قابل توجیه می‌باشد. اصل تساوی سلاح‌ها ایجاب می‌کند که فرآیند دادرسی از مرحله شروع به انجام تحقیقات مقدماتی تا صدور حکم، به گونه‌ای باشد که هیچ وضعیت نابرابری میان بزه‌کار و بزه‌دیده وجود نداشته و بزه‌دیده به عنوان یکی از طرفین دعوی، از فرصت و امکانات برابر در دفاع از حقوق خویش و اثبات ادعاهایش بهره‌مند گردد. ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات ۱۳۹۴، علی‌رغم این‌که به عنوان یکی از اصول بنیادین آیین دادرسی کیفری مقرر نموده است: «دادرسی کیفری باید ... حقوق طرفین دعوی را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرایم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود»، لیکن حق بهره‌مندی سریع و آسان شاکی از تعیین وکیل معاضدتی را بدون محدودیت به فراموشی سپرده است.

#### ۴- ضمانت اجرای ناظر بر حق دسترسی

از آن‌جا که حق دسترسی در تمامی ابعاد خود، یکی از اصول بنیادین آیین دادرسی کیفری به شمار می‌رود، به همین جهت سلب و یا ایجاد محدودیت در اجرای آن با ضمانت‌اجراهایی مواجه گردیده است که این ضمانت‌اجراها شامل کیفری، حقوقی، انتظامی و ضمانت اجرای بطلان می‌باشد.

#### ۴-۱- ضمانت اجرای کیفری

حق بهره مندی از وکیل از جمله حقوقی است که در قوانین مختلف مورد تأکید موکد قانون گذار قرار گرفته است. بند ۳ قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ مقرر می‌دارد: «محاکم و دادسراها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم نمایند». هر چند در متن این قانون، ضمانت اجرای معینی به لحاظ تخطی مأمورین و مقامات قضایی از مواد این قانون پیش بینی نشده بود لیکن ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات ۱۳۹۴ به صراحت ضمانت اجرای عدم رعایت این حق را پیش بینی و مقرر می‌دارد: «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۴/۴) محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد». ضمانت اجرای مصرحه در ماده ۷، ضمانت اجرای نسبتاً شدیدی است که صرفاً ناظر بر «عدم رعایت حقوق شهروندی» است و چنانچه عدم رعایت حقوق مذکور، منجر به ارتکاب جرایم دیگری از سوی مأمورین و مقامات قضایی شود، بنا به صراحت ذیل ماده قانونی مذکور، مجازات اشد قابل اعمال خواهد بود. (خالقی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۶)

#### ۴-۲- ضمانت اجرای حقوقی

هر چند در ذیل ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات ۱۳۹۴، جبران خسارت وارد بر بزه‌دیده پیش بینی گردیده، لیکن عدم ذکر آن نیز مشکلی را نخواهد کرد زیرا مواد ۱ و ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، این حق را برای متضررین پیش بینی نموده است که نسبت به جبران خسارات وارده اقدام نمایند. ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ مقرر می‌دارد: «رسیدگی به دعوای جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی موضوع اصل یکصد و هفتاد و یکم (۱۷۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در صلاحیت دادگاه عمومی تهران است. رسیدگی به دعوای مذکور در دادگاه عمومی منوط به احراز تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی است».

#### ۴-۳- ضمانت اجرای انتظامی

یکی از ضمانت‌های اجرایی که در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات ۱۳۹۴ به دفعات به آن اشاره گردید، ضمانت اجرای انتظامی است. بر طبق ماده ۱۳ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰، مجازات‌های انتظامی سیزده درجه است که بند ۱ آن توبیخ کتبی بدون درج در سابقه خدمتی و بند ۱۳، انفصال دائم از خدمات دولتی است. با توجه به این که نقض حق دسترسی از سوی مقامات قضایی، تخلف از قوانین موضوعه محسوب می‌شود، ماده ۱۸ قانون مورد اشاره مقرر می‌دارد؛ «تخلف از قوانین موضوعه که در این قانون یا سایر قوانین، برای آن مجازات پیش‌بینی نشده است با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، مستلزم یکی از مجازات‌های انتظامی درجه دو تا پنج است». همچنین ماده ۱۴ قانون اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۴ ضمن اصلاح تبصره ۱ ماده ۱۹۰ «سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفهیم این حق به متهم را به ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه» دانسته است.

#### ۴-۴- ضمانت اجرای بطلان

قانون‌گذار در تبصره ۱ ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات ۱۳۹۴ که اصلاح گردید، عدم تفهیم حق داشتن وکیل و یا سلب این حق در مرحله تحقیقات مقدماتی را با ضمانت اجرای شدید «بی‌اعتباری تحقیقات» مواجه ساخته بود که با توجه به ظاهر تبصره می‌شد اینگونه برداشت کرد که مقصود از بی‌اعتباری تحقیقات یعنی بی‌اعتباری کل تحقیقات مقدماتی از زمان شروع آن و نه فقط بی‌اعتباری تحقیقات و بازجویی‌های صورت گرفته از متهم بدون حضور وکیل که متأسفانه با اصلاح تبصره مذکور، ضمانت اجرای مورد اشاره مرتفع و صرفاً به ضمانت اجرای انتظامی بسنده شده است. حق دسترسی به وکیل از یک سو و تفهیم این حق از سوی مأمورین و مقامات قضایی، یکی از اصول بنیادین حاکم بر آیین دادرسی کیفری است که نقض آن در هر یک از مراحل رسیدگی و در بسیاری از نظام‌های دادرسی با ضمانت اجرای شدیدی به نام «بطلان تحقیقات» مواجه می‌گردد.

اصول بنیادین، اصول کلی و دائمی هستند که منشاء وضع قواعد حقوقی و نماینده ارزش‌های حقوقی حاکم بر اجتماع قلمداد می‌گردند و باید اجرای آنها از سوی دولت، تضمین و تأمین گردد. اختیارات مقامات دادسرا به نمایندگی از جامعه، چنان

وسیع و گسترده است که ایجاب می نماید قانون‌گذار در مقابل نقض اصول بنیادین حاکم بر این مرحله به خصوص نقض حقوق دفاعی متهم، ضمانت اجرای مناسبی اتخاذ نماید. ضمانت اجرای بطلان، مجازات عدم رعایت شرایط اعتبار اعمال حقوقی است که در عمل، باطل شده فرض می‌گردد، به نحوی که هرگز وجود نداشته است. (باقری نژاد، ۱۳۹۴، ص ۱۲۰) واقعیت امر این است که هیچ یک از ضمانت‌های اجرای پیش گفته (کیفری، حقوقی و انتظامی) نمی‌تواند از قوت و استحکام ضمانت اجرای بطلان برخوردار بوده و تضمین‌کننده حقوق اصحاب دعوی به خصوص متهم باشد.

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات ۱۳۹۴، یکی از جهات فرجام خواهی را به شرح بند ب ماده ۴۶۴ قانون «دعای عدم رعایت اصول دادرسی با درجه ای از اهمیت منجر به بی اعتباری رأی دادگاه» دانسته است که مقصود از اصول مذکور، اصول کلی، دائمی و الزام آور هستند که بنیان‌برگزاری یک دادرسی صحیح و قانونی و یا به تعبیری نوین، «دادرسی منصفانه» را تشکیل می‌دهند و در تصویب، تفسیر و اجرای مقررات آیین دادرسی کیفری باید رعایت گردند؛ مانند اصل برائت یا فرض بی‌گناهی، تأسیس دادگاه به موجب قانون، استقلال و بی‌طرفی دادگاه، علنی بودن دادرسی، رعایت حق دفاع طرفین و برخورداری آنها از امکانات برابر جهت دفاع و غیره. هر چند تشخیص این امر که عدم رعایت چه اصولی با درجه‌ای از اهمیت که منجر به بی‌اعتباری رأی دادگاه شود، دشوار و ملاک آن مبهم است لیکن بدیهی و روشن است که سلب حق برخورداری متهم از وکیل مدافع و یا عدم دسترسی وی به اوراق و مندرجات پرونده، بدون دلیل موجه قانونی می‌تواند چنان تأثیری بر نحوه دفاع او داشته باشد که سرنوشت پرونده و رأی دادگاه را تحت تأثیر عدم حضور وکیل قرار دهد. (عبدالهی، ۱۳۹۳، ص ۳۶۶)

##### ۵- تحولات ناظر بر حق دسترسی در ق. آ. د. ک ۱۳۹۲

با توجه به مهم‌ترین مبانی برشمردن برای حق دسترسی و معنا و مفهوم این حق که از یک سو، ناظر بر حق حضور و مداخله وکیل در تمامی مراحل دادرسی و از سوی دیگر، حق دسترسی فوری و بی‌قید و شرط متهم و وکیل وی به تمام اوراق و مندرجات پرونده می‌باشد، باید عنوان نمود که قانون‌گذار در تدوین قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات ۱۳۹۴، به رغم پیش‌بینی این



حق در ردیف یکی از اصول بنیادین آیین دادرسی کیفری، گام‌های اساسی و مهمی را در راستای محدود ساختن و حتی سلب حق دسترسی متهم و وکیل وی و حتی شاکی خصوصی به مندرجات پرونده برداشته است. مطالب این بند به دو قسمت که قسمت اول شامل پیش از محاکمه و دادرسی و قسمت دوم ناظر بر مرحله دادرسی است، تقسیم می‌گردد.

#### ۵-۱- پیش از محاکمه و دادرسی

دسترسی به وکیل و مندرجات پرونده زمانی که پرونده نزد پلیس و مأمورین انتظامی مطرح بوده، با زمانی که نزد بازپرس و دیگر مقامات قضایی دادسرا می‌باشد، متفاوت می‌باشد. با توجه به این که شاکله تحقیقات مقدماتی بسیاری از جرایم را «تحقیقات پلیسی» تشکیل می‌دهد، بنابراین حضور و مداخله وکیل در این مرحله و امکان دسترسی متهم به وی از درجه اهمیت بسزایی برخوردار خواهد بود.

#### ۵-۱-۱- مرحله پلیسی

بر خلاف تحقیقات بازپرسی که دسترسی به مندرجات پرونده و اوراق و مدارک موجود در آن مورد تصریح قانون‌گذار قرار گرفته، در خصوص دسترسی به اوراق، مدارک و مندرجات پرونده، زمانی که پرونده جهت انجام تحقیقات نزد مأمورین انتظامی قرار دارد، چنین تصریحی از سوی قانون‌گذار وجود ندارد. بنابراین، ضابطان دادگستری به همین بهانه، این اختیار را خواهند داشت که از دسترسی اصحاب دعوی و وکلای ایشان به مندرجات پرونده اتهامی جلوگیری نمایند. در خصوص دسترسی متهم به وکیل یا مشاور حقوقی، ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات ۱۳۹۴ و تبصره آن، حدود و قلمرو حضور و مداخله وکیل را مشخص نموده اند. ماده ۴۸ مقرر می‌دارد: «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد». ملاحظه می‌گردد که محدوده زمانی حضور وکیل، زمانی که متهم تحت نظر در بازداشتگاه پلیس می‌باشد، یک ساعت و آن هم صرفاً به منظور ملاقات با وی می‌باشد. تبصره سابق این ماده مقرر می‌داشت: «اگر شخص به علت اتهام ارتکاب

یکی از جرایم سازمان یافته و یا جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، سرقت، مواد مخدر و روانگردان و یا جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب) و (پ) ماده (۳۰۲) این قانون، تحت نظر قرار گیرد، تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن امکان ملاقات با وکیل را ندارد».

با توجه به این که تبصره مذکور، در تعارض آشکار با اصل ۳۵ قانون اساسی، ماده واحده انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی مصوب ۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام، بند ۳ قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ و همچنین ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات ۱۳۹۴ قرار داشته است، قانون گذار ضمن اصلاح تبصره ماده ۴۸ به موجب ماده ۴ قانون اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۴، مقرر ای را وضع نموده که سابقه ای از آن را نمی توان در نظام قانون گذاری ایران یافت. تبصره مذکور مقرر می دارد: «در جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرایم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب می نمایند. اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می گردد». اصل آزادی در انتخاب وکیل، یکی از اصولی است که مورد پذیرش تمامی نظام های دادرسی قرار گرفته و هرگونه ایجاد محدودیت در اجرای این اصل، سلامت تحقیقات مقدماتی را تحت الشعاع قرار داده و حتی موجب صدور حکم به بطلان تحقیقات صورت گرفته از سوی مراجع عالی خواهد شد.

### ۵-۱-۲- مرحله بازپرسی

در مرحله بازپرسی، هر چند قانون گذار اصل حضور و مداخله وکیل را در مرحله تحقیقات مقدماتی پذیرفته است لیکن با عدول از اصل دسترسی به شرح مندرج در ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات ۱۳۹۴، در مواردی حق دسترسی متهم و وکیل وی و حتی شاکی خصوصی به مندرجات، اوراق، اسناد و مدارک موجود در پرونده را سلب نموده است. پیش بینی قرار جدیدی موسوم به «عدم دسترسی به اوراق، اسناد و مدارک پرونده» که مسبوق به هیچ گونه سابقه ای در نظام تقنینی ایران نبوده است را باید یکی از موارد محدودکننده اصل فوق و در واقع خدشه ای اساسی به آن دانست. ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری

مصوب ۱۳۹۲، با پیش‌بینی یکی از اصول بنیادین مقرر می‌دارد: «متهم باید ... از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود». در توصیف حق دفاع متهم گفته شده است که حق دفاع متهم عبارت از مجموع تضمینات قانونی و قضایی است که در سطح ملی، منطقه‌ای و یا بین‌المللی برای افرادی که در مظان ارتکاب بزه قرار گیرند، در سراسر یک رسیدگی کیفری و با هدف اتخاذ تصمیمی عادلانه - به دور از اشتباهات قضایی - منظور گردیده است. (فرح‌بخش، ۱۳۸۵، ص ۱۱۸) همراه داشتن وکیل مدافع و استفاده از معاضدت‌های قضایی وی به عنوان حق اساسی و مسلّم در اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته و حتی کمیته منع شکنجه سازمان ملل متحد، دسترسی و حضور وکیل مدافع را به عنوان راهبردی اساسی در کاهش شکنجه در تحقیقات پیش از محاکمه اعلام کرد.

تحقیقات مقدماتی در نظام‌های دادرسی مختلط که بر اساس اصول حاکم بر دادرسی تفتیشی (سری، غیرترافعی و کتبی) سامان می‌یابد، تقابل دو هم‌آورد است که در یک سو، تشکیلاتی گسترده و دارای همه اقتدارات و اختیارات در جمع‌آوری دلایل، با استفاده از گروهی متخصص و آگاه به ظرافت‌های امر تحقیق و بازجویی و در سوی دیگر، فردی تنها و بدون آگاهی از حقوق خود و ظرافت‌های امر تحقیق و قضا - که حتی گاه ناآگاهانه و به خیال دفاع مثبت از خویش، مطالبی کاملاً به زیان خود بیان می‌کند - نتیجه چنین تقابلی از پیش معلوم است. همراه داشتن وکیل و فراتر از آن، حق دسترسی وی به تمامی اوراق و مدارک پرونده می‌تواند این نابرابری را تا اندازه‌ای جبران کند. (مظاهری، ۱۳۸۵، ص ۲۴۳) مرحله تحقیقات مقدماتی، یکی از مراحل سرنوشت‌ساز پرونده کیفری بوده که دفاع به موقع و متناسب متهم و وکیل وی منوط به این است که آنها دسترسی آسان و بی‌قید و شرط به اوراق و مندرجات پرونده داشته باشند. صدور قرار عدم دسترسی به پرونده توسط بازپرس مانع از اعمال چنین کارکردی از سوی وکیل خواهد بود. هر چند محدوده زمانی صدور این قرار مربوط به مرحله تحقیقات مقدماتی بوده و شاکی، مدعی، متهم و وکلای مدافع آنان در مرحله دادگاه می‌توانند پرونده را مطالعه نموده یا از اوراق آن تصویر تهیه نمایند لیکن مطالعه پرونده در مرحله دادگاه به قطع و یقین، به درجه اهمیت مرحله تحقیقات مقدماتی نخواهد بود زیرا تمام دلایل و مدارک پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی و بازپرسی جمع‌آوری شده و با توجه به صدور کیفرخواست، چنانچه وکیل ایرادی هم به تحقیقات وارد نماید، اصل بر صحت تحقیقات مقدماتی بوده و پرونده

نیز آماده برای صدور حکم می‌باشد؛ (عبدالهی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۳) به خصوص این که حق استرداد کیفرخواست و یا اصلاح آن به موجب ماده ۲۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات ۱۳۹۴ به رسمیت شناخته نشده و دادستان فقط می‌تواند دلایل جدید را که کشف و حادث می‌شود، به دادگاه اعلام کند.

در نظام دادرسی اتهامی، دادستان می‌بایست در صورت وجود عناصر تردید آمیز نسبت به فرآیند دادرسی، تقاضای یطلان نماید. در تحقیقات ابتدایی، دادستان می‌بایست پارامترهای تحقیقاتی را در راستای ارائه رهنمودهای ناظر بر حاکمیت قانون ارائه نماید. دادستان می‌بایست اطمینان حاصل نماید که تحت اختیار مراجع قدرت قرار داشته و در صورت نقض هر یک از اصول و قواعد آیین دادرسی کیفری، تحت محافظت و اقتدار وی قرار خواهند داشت. (کرتزر، ۲۰۰۲، ص ۱۱۶)

در مرحله تحقیقات بازپرسی، قانون‌گذار اصل حضور و مداخله شاکی و وکیل وی و نیز دسترسی نامبردگان به اوراق و مندرجات پرونده را پذیرفته و به شرح ماده ۱۰۰ مقرر می‌دارد: «شاکی می‌تواند در هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی و ادله اش را اظهار کند و در تحقیقات حضور یابد، صورتجلسه تحقیقات مقدماتی یا سایر اوراق پرونده را که با ضرورت کشف حقیقت منافات ندارد، مطالعه کند یا به هزینه خود از آنها تصویر یا رونوشت بگیرد». قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات الحاقات ۱۳۹۴ با وضع سه تبصره، دسترسی شاکی و وکیل وی به اوراق و مندرجات پرونده را محدود نموده است. عدم دسترسی شاکی و وکیل وی به پرونده، علاوه بر به وجود آمدن بی‌اعتمادی، بزه‌دیده را از رسیدگی به حقوق خود ناامید می‌کند زیرا باعث می‌شود که هیچ اطلاعی از پرونده در دسترس نبوده و وکیل نیز نتواند متناسب با اوراق پرونده دفاع مفیدی را تدارک ببیند و نقش وی را به حاشیه می‌کشاند.

## ۵-۲- مرحله محاکمه و دادرسی

قرار عدم دسترسی به پرونده، بنا بر صراحت قانون اختصاص به مرحله تحقیقات مقدماتی داشته و مرحله دادرسی و دادگاه را در بر نمی‌گیرد. ماده ۳۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات ۱۳۹۴ مقرر می‌دارد: «شاکی یا مدعی خصوصی و متهم یا وکلای آنان می‌توانند با مراجعه به دادگاه و مطالعه پرونده، اطلاعات لازم را تحصیل نمایند و با اطلاع رئیس دادگاه به هزینه خود از اوراق مورد نیاز، تصویر تهیه کنند». ملاحظه می‌گردد که قانون‌گذار بدون هیچ گونه محدودیتی، اخذ رونوشت و یا روگرفت از اوراق و مندرجات پرونده را پذیرفته است لیکن در ادامه با وضع

تبصره‌ای، سه دسته از اوراق و اسناد را از شمول حکم مندرج در ماده مستثنی نموده است. تبصره مذکور مقرر می‌دارد: «دادن تصویر از اسناد طبقه بندی شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرایم منافی عفت و جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی ممنوع است». در خصوص دامنه شمول تبصره ماده ۳۵۱، نکته قابل ذکر این است که ممنوعیت دسترسی در این تبصره صرفاً ناظر بر اسناد و نه اوراق و مندرجات پرونده می‌باشند و بر این اساس با توجه به حکم عام مندرج در ماده ۳۵۱، طرفین دعوی و یا وکلای ایشان می‌توانند ضمن مطالعه پرونده، نسبت به اخذ تصویر یا روگرفت از اوراق و مندرجات پرونده اقدام نمایند.

#### ۶- نتیجه گیری

حق دسترسی به عنوان یکی از اصول بنیادین آیین دادرسی کیفری که خود بر مبنای سه اصل مهم برائت یا فرض بی‌گناهی، تساوی سلاح‌ها و ترافعی شدن بنا نهاده شده، مورد توجه قانون‌گذاران بسیاری از نظام‌های حقوقی قرار گرفته است. این حق دارای دو بعد مهم و اساسی است؛ از یک سو ناظر بر حق حضور و مداخله وکیل در تمامی مراحل دادرسی یعنی از ابتدای شروع به انجام تحقیقات مقدماتی تا صدور حکم و از سوی دیگر، ناظر بر دسترسی مطلق و بی‌قید و شرط به تمام اوراق و مندرجات پرونده اتهامی است. ایجاد محدودیت در هر یک از ارکان و پایه‌های این اصل، نقض مهم‌ترین حقوقی دفاعی متهم را در پی داشته و به تبع آن دستیابی به یک دادرسی منصفانه را با خدشه جدی و اساسی مواجه خواهد ساخت. قانون‌گذار هر چند با الهام از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و با پیش بینی این اصل به عنوان یکی از اصول بنیادین آیین دادرسی کیفری در متن ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و با این مضمون که «متهم باید در اسرع وقت ... از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود»، گام مهمی در پذیرش و حاکمیت این اصل برداشته است لیکن در موارد متعددی از این اصل بنیادین عدول و محدودیت‌هایی را هم در حضور و مداخله وکیل و هم در دسترسی به اوراق، مدارک و مندرجات پرونده ایجاد نموده است. به نظر می‌رسد که اجرای مطلق و بی‌چون و چرای حق دسترسی به پرونده‌های قضایی مرتبط با جرایم پزشکی و دارویی در تقابل با ممنوعیت قانونی افشاء اسرار حرفه‌ای و شغلی مندرج در ماده ۶۴۸ قانون تعزیرات قرار داشته و اطلاق اجرای حق مذکور مقید به محدودیت موضوع ماده قانونی مذکور گردیده است.

## منابع:

## منابع فارسی:

- \* آشوری، محمد، «عدالت کیفری، مجموعه مقالات»، چاپ اول، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶.
- \* اردبیلی، محمد علی، «تفهیم اتهام یا حق اطلاع از موضوع و دلایل اتهام»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره چهل و سوم، سال ششم، ۱۳۷۶.
- \* باقری نژاد، زینب، «اصول بنیادین حاکم بر مرحله تحقیقات مقدماتی در آیین دادرسی کیفری ایران و دیوان کیفری بین المللی»، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۹۴.
- \* شاملو، باقر، «علوم جنایی، مجموعه مقالات»، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
- \* حیدری، سیروس، «علم قاضی و اصل تناظر»، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره دوم، ۱۳۸۹.
- \* خالقی، علی، «نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری»، چاپ اول، انتشارات موسسه مطالعات پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳.
- \* عبادی، مهدی، «اصل تساوی سلاح‌ها در حقوق ایران و انگلستان با تأکید بر ابراز ادله»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲.
- \* عبداللهی، افشین، «تعامل جرم شناسی و آیین دادرسی کیفری»، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۳.
- \* فرح بخش، مجتبی، «مفهوم و مبانی حقوق دفاعی متهم»، مجله حقوقی دادگستری، سال هفتم، ۱۳۸۵.
- \* مظاهری، امیر مسعود، «مفهوم مداخله و کیل مدافع در تحقیقات مقدماتی»، مجله حقوقی دادگستری، سال هفتم، ۱۳۸۵.
- \* نیازپور، امیرحسین، «حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری؛ جلوه‌ای از حقوق شهروندی»، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره پنجاه و هشتم، سال ۱۳۷۱.
- \* یکرنگی، محمد، «حدود اختیارات پلیس در حقوق ایران و انگلستان»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴.

## منابع انگلیسی:

- \* Acker R. James JD., *Criminal Procedure, a Contemporary Perspective, Second edition, publishers Sudbury, Massachusetts, 2004.*
- \* Kertzer D, Barbagli M., *The History of the Nullity of Evidence in England, Yale University Press, 2002.*
- \* Signorille P, *Criminal Law, Procedure and Evidence, CRC Press, Taylor & Francis Group, 2011.*

## ***Obstacles, Challenges And Restrictions of Accessibility Right to Judicial Cases***

*Seyed reza ehsanpour*<sup>1</sup>

*Faramarz gholipoor jamnani*<sup>2</sup>

*1- Assistant professor faculty of humanity law department. Shahed university Tehran Iran./  
Ehssanpour@gamil.com*

*2- Doctor of Criminal Law and Criminology, Shahid Beheshti University / Corresponding  
Author*

### ***Abstract:***

*One of the most important and fundamental principles prevailing of fair trial is the principle or right of accessibility so that this principle has been inserted in legislation of modern trial systems and has been applied without any restriction at all of the proceeding process. In fact, without principle of accessibility, it is impossible access to the other of fundamental principles such as equality of arms and neutrality. In another way, from through of the principle of accessibility, it will be possible the application of the other principles of criminal procedure. The ambit of this principle, includes pre-investigation and initiation of prosecution and investigation until proceeding and adjudication. Being restriction in absolute applying of this principle, will make serious and fundamental vitiating access to this principle. The principle of accessibility, in one hand, is right of presence and intervention of lawyer at all of the proceeding process such as pre-investigation and in another hand, absolute access of the parties and lawyers to all of the papers and contents and possibility of taking duplicate and counterpart. Crimes relating to medical and medicine affairs are sensitive and important, both the point of view victim and offender. Reciprocity of accessibility right to judicial crimes relating to medical and medical crimes with article 648 Taazirat Act 1375 which prevailing on disclosure prohibition of professional secrets, is the most important challenges about accessibility right to such cases.*

***Key words:*** *Right of Accessibility, Pre-investigatiol, Fair Trial.*



studies of economic  
jurisprudence